

و هم اکنون تندیزی از این عکس در مقابل دادگاه لاهه نصب شده است، همچنین عکس دیگری با عنوان من پدرم را ترک نمی‌کنم در سراسر جهان منتشر شد و من پس از ۲۱ سال، کسانی که در این عکس‌ها زنده مانده بودند را پیدا کردم و در همان محل از آنها عکس گرفتم.

شما نقش رسانه‌ها و عکاسان در ثبت و حفظ کدام تاریخ ایران را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

عکاسان نقش بسیار مهم و حیاتی در ثبت تاریخ انقلاب اسلامی ایران و جنگ تحمیلی داشته‌اند.

عکاسان به عنوان شاهدان عینی، سرنوشت ساز انقلاب ۱۳۵۷ و جنگ تحمیلی را تعیین می‌کنند. این تصاویر و گزارش‌ها نه تنها مستندات مهم تاریخی به شماره می‌آیند بلکه برای نسل‌های آینده نیز گواهی بر رشادت‌ها، سختی‌ها و اتفاقات آن است. انتشار تصاویر و گزارش‌های میدانی از وقایع خبری در دوران انقلاب، نقش مهمی در ایجاد حس همبستگی ملی ایفا کرد. عکس‌های تاریخی، مستندات انقلاب اسلامی امروز یکی از مهم‌ترین منابع برای شناخت فرهنگ ایثار و شهادت هستند و در زنده نگه داشتن یاد و خاطره آن دوران نقش اساسی دارند. عکاسان، با ثبت تصاویر و گزارش‌های مستند، نه تنها تاریخ را حفظ کرده‌اند بلکه نقش مهمی در هدایت افکار عمومی، ایجاد انگیزه و انتشار روحیه ملی ایفا کرده‌اند.

به نظر شما یک نوجوان عکاس چگونه می‌تواند روایتگر یک مسأله مهم باشد و باید با چه نگاهی عکاسی کند؟

یک نوجوان عکاس برای بیان یک موضوع مهم باید با دقت و عمق به دنیا نگاه کند. او نیاز دارد تا به مطالعه اجتماعی بپردازد و احساسات خود را نسبت به محیط اطرافش درک کند. همچنین، توانایی مشاهده جزئیات و استفاده از هر لحظه زندگی برای خلق روایت‌های بصری نیز بسیار حیاتی است.

علاوه بر تکنیک‌های عکاسی، او باید تعهدی عمیق به برقراری ارتباط با مخاطبان و انتقال پیام‌های اجتماعی و انسانی داشته باشد. مطالعه درباره مسائل اجتماعی به او این امکان را می‌دهد که چالش‌ها و فرصت‌ها را درک و جایگاه خود را در جامعه، شناسایی کند. آشنایی با انواع تکنیک‌های عکاسی، نور، کادر و ویرایش عکس‌ها برای نمایش نبوغ هنری به شدت ضروری است. بنابراین، عکاسی فقط یک سرگرمی یا شغل نیست؛ بلکه ابزاری برای تغییر اجتماعی و ابزار احساسات محسوب می‌شود. هر بار که دوربین را به کار می‌گیریم، می‌توانیم تأثیر عمیقی بر فرهنگ اطرافش بگذاریم، عکاس هنرمند باید همیشه در مسیر یادگیری و رشد باشد تا بتواند دنیای خود را با دیدگاه خاصش به تصویر بکشد و نشان دهد که چگونه می‌توان با عشق و دقت به جزئیات، داستان‌های بزرگ را روایت کرد.

آیا تغییراتی در نگاه شما به عکاسی و هنر پس از تجربه عکاسی در دوران انقلاب ایجاد شد؟

زمانی که با دقت و جدیت به مسائل و وقایعی که با آنها مواجه هستیم، نگاه می‌کنیم، نگاه جدیدی به وجود می‌آید. این نگرش تازه نه تنها نتیجه اطلاعات جدید است، بلکه شکل‌گیری آن به دلیل تفکر عمیق و برداشت‌های شخصی نیز است. وقتی به جزئیات مسائل توجه می‌کنیم، درمی‌یابیم که پدیده‌ها و رویدادها همیشه یکسان نیستند و می‌توان آنها را از زوایای مختلف تحلیل کرد. این فرآیند درک ما از دنیا را عمیق‌تر کرده و به ما کمک می‌کند به سوالات پیچیده‌تر پاسخ دهیم.

به عنوان مثال، تغییر در دیدگاه نسبت به یک موضوع اجتماعی، ممکن است از شنیدن تجربیات دیگران یا مواجهه با داده‌های جدید ناشی شود. این تعامل‌ها معمولاً ما را به یک درک چندبعدی سوق می‌دهد که باعث بهبود قابل توجهی در توانایی قضاوت ما می‌شود. بنابراین، تنها مطالعه سطحی کافی نیست و باید با نگرش انتقادی و باز به مسائل نزدیک شویم. وقتی افراد به درک عمیق‌تری از محیط خود برسند، می‌توانند ریشه‌های مشکلات را شناسایی کرده و برای حل آنها اقدام کنند. از این رو، اهمیت نگرش تازه در مسائل امروز غیرقابل انکار است.

گفت‌وگو با احمد ناطقی، عکاسی که از دوران نوجوانی، دوربین به دست گرفت

عکاسی، یک نگاه جدید به دنیا



من به عنوان یک نویسنده فکر می‌کنم عکاس‌ها نیز روایت‌کننده قصه‌های زیادی هستند. چرا که آنها مانند نویسندگان سعی می‌کنند لحظات مهم را پیدا کنند و در آن لحظه، دوربین‌شان نقش قلم را بازی می‌کند و اتفاق‌ها را ثبت و ضبط می‌کند. در این گفت‌وگو به سراغ یکی از عکاس‌هایی رفته‌ایم که از زمان نوجوانی دوربین به دست گرفته و حداقل در کشورمان، کمتر کسی است که او را نشناسد. در این صفحه با احمد ناطقی به گفت‌وگو درباره زمان نوجوانی‌اش پرداخته‌ایم؛

امیرحسین علی‌نیا فرد



نوجوانه

در زمان پیروزی انقلاب شما چند ساله بودین و رنگ و دغدغه زندگی شما چه چیزی بود؟

در زمان انقلاب، حدود ۲۰ سال داشتم و چندان در جریان حوادث آن روزها نبودم. تنها چیزی که من را مشغول کرده بود، عکاسی بود؛ از صبح تا شب به دنبال سوژه‌های جالب می‌گشتم. هر گوشه خیابان و هر صحنه‌ای از زندگی مردم، برایم داستانی داشت و من با دوربینم تلاش می‌کردم آنها را ثبت کنم اما از آنجا که نه به صورت رسمی آموزش دیده بودم و نه در دنیای حرفه‌ای بودم به جای ثبت لحظات روزمره، ناخواسته وارد دنیای آشفتگی انقلاب شدم.

گاهی به تجمعات می‌رفتم و صدای شعارها و هیاهو هادر گوشم طنین‌انداز می‌شد. دوربینم را برمی‌داشتم و سعی می‌کردم لحظاتی را به تصویر بکشم که ممکن بود دیگران فراموش کنند؛ تصاویری از جوانان پرشور و زنان و مردانی که با لبخند و اشک در چشم در خیابان‌ها بودند. این تصاویر برای من به نوعی گالری ذهنی از انقلابی بزرگ تبدیل شده و زندگی‌ام تحت تأثیر آن قرار گرفته بود. اما افسوس که بی‌تجربه بودم.

چطور شد که رو به عکاسی آوردید، آیا خانواده با حرفه و هنر عکاسی موافق بودن؟

مانند بسیاری دیگر، من هم تجربه‌ای مشابه دارم؛ برادرم دوربینی داشت و آن را به من داد، این نقطه آغاز مسیر عکاسی من شد.

از آن روز به بعد، دوربین بهترین دوست من شد. ساعت‌ها وقت صرف می‌کردم تا نور و سایه‌ها را زیر نظر بگیرم، لحظه‌ها را ثبت کنم و زیبایی‌های زندگی روزمره را از زاویه‌ای دیگر ببینم. هر بار که به خیابان می‌رفتم، دوربین در دستم بود و به دنبال سوژه‌های جدید می‌گشتم.

در ابتدا، عکاسی برایم یک سرگرمی بود اما با گذشت زمان فهمیدم که این هنر چقدر عمیق است و می‌تواند احساسات و داستان‌ها را منتقل کند. از عکاسی از مناظر طبیعی تا پرتله‌های دوستان و خانواده، هر عکس برایم یک روایت جدید به ارمغان آورد. کم‌کم شروع به عکاسی از مراسم‌های مختلف و لحظات خاص زندگی مردم کردم. این تجربیات نه تنها مهارت‌های فنی بیشتری به من آموخت بلکه به من یاد داد چگونه به احساسات و ارتباطات انسانی توجه کنم و آنها را در عکس‌هایم ثبت کنم. هر عکس برایم یک پنجره به دنیای

دیگری است که از طریق آن می‌توانم داستان‌ها را تعریف کرده و احساسات را به اشتراک بگذارم.

از اولین باری که تصمیم گرفتید لحظات مهمی را به ثبت برسانید، بگویید؟

در گذشته خیلی دور، من به صورت تفریحی از گل، طبیعت و خیابان‌ها عکاسی می‌کردم اما بعد از حادثه ۱۷ شهریور، احساس کردم که باید نقش خودم را در این انقلاب ایفا کنم و با حدود ۷۰۰ تومان یک دوربین زنیت خریدم. در آن زمان، اوضاع اجازه نمی‌داد که من به عنوان یک عکاس حرفه‌ای در وسط خیابان‌ها باشم و از آنجا که اطلاعات زیادی نداشتم، عکس‌های من بیشتر شامل راهپیمایی‌ها و مضامین آرام می‌شد. با این حال، بعد از خرید دوربین، حس کردم که مسئولیتی دارم و باید از لحظات تاریخ‌ساز عکاسی کنم، لحظاتی که ممکن است هرگز تکرار نشود. دوربین را روی دوش می‌انداختم و به خیابان می‌رفتم، گاهی در تظاهرات شرکت می‌کردم و گاهی در کنار مردم عادی که به خاطر احساسات‌شان به خیابان آمده بودند، می‌ایستادم و سعی می‌کردم بخشی از داستان آن روزها را ثبت کنم.

از روایت‌هایی بگویید که فکر می‌کنید نوجوانان و جوانان حال حاضر از آن کمتر شنیده‌اند؟

تجربه یکی از با ارزش‌ترین دارایی‌های انسان است. در اینجا به تجربیاتی اشاره می‌کنم که ممکن است تلخ به نظر برسد اما برای من بسیار ارزشمند بوده است. من در عکاسی، به‌ویژه عکاسی خبری، تجربه و مهارت کافی نداشتم. در ایام انقلاب، نوجوان بودم و هر روز به خیابان‌ها، تظاهرات و جلوی دانشگاه می‌رفتم و در کنار معترضان بودم اما به دلیل مشکلات مالی و کمبود تجربه، کمتر عکاسی می‌کردم. به همین خاطر، هرگز در زمان وقایع مهم در صحنه حضور نداشتم و معمولاً وقتی به خانه برمی‌گشتم، می‌شنیدم در دانشگاه یا مکان‌های دیگر درگیری و تیراندازی رخ داده است.

آیا لحظه‌ای عکسی هست که به‌ویژه برای شما بسیار مهم و نمادین باشد؟ چرا؟

من یکی از مشهورترین عکس‌های تاریخ سلاح‌های کشتار جمعی را ثبت کرده‌ام، این عکس به نام عمر خاور (مرد کردی که بچه‌ای در آغوش دارد و برای فرار از مرگ جفیه را به سر و صورت خود و کودک بسته است) به شهرت جهانی رسید



عکاسان به عنوان

شاهدان عینی،

سرنوشت‌ساز انقلاب

۱۳۵۷ و جنگ تحمیلی

را تعیین می‌کنند. این

تصاویر و گزارش‌ها نه تنها

مستندات مهم تاریخی

به شمار می‌آیند، بلکه

برای نسل‌های آینده

نیز گواهی بر رشادت‌ها،

سختی‌ها و اتفاقات

آن است